



دکتر عبدالمنان نصرالدین خجندی
استاد دانشگاه خجند - تاجیکستان

مایه افتخار همهٔ فارسی‌زبانان به ویژه در ایران و تاجیکستان است که در اول قرن بیست و یک، ترجمهٔ امین، شیوا و خوانای دکتر سید علی موسوی گرمارودی به انجام رسید و به زیور طبع آراسته گردید.

نگارندهٔ این سطرها شاهد رنج و تلاش‌های استاد گرانقدر زبان فارسی و ادب فارسی دکتر گرمارودی هنگام این ترجمه بودم، زیرا ترجمهٔ قرآن کریم را استاد تماماً در سرزمین فرا رود انجام دادند. چه اتفاق شگرفی که این ترجمهٔ چشمگیر در خطه‌ای صورت گرفت که یک هزار و پنجاه سال پیش از آن نیز، با فتوای علمای همین سامان و با دستور منصور بن نوح سامانی، قدیمی‌ترین ترجمهٔ موجود قرآن (با هدف رسانیدن پیام الهی به کسانی که زبان عربی نمی‌دانستند) در همین فرا رود به سامان رسید.

استاد گرمارودی به هنگام سفرهای پربرکت خویش به دانشگاه خجند که برای معلمان و دانشجویان این دانشگاه، شاهنامه، دیوان حافظ و مثنوی می‌خواندند به صورت دائمی همراه خود دفتری برای ترجمهٔ قرآن کریم داشتند و بعد از فراغت از تدریس در ساعت‌های کوتاهی که در هتل بودند، همراهی و همرازی با قرآن و اشتغال به ترجمهٔ آن را بر کل کارها و نشست‌ها ترجیح می‌دادند و تا دل شب به این کار ماندگار می‌پرداختند.

گاهی اتفاق می‌افتاد که ترجمهٔ چند آیه مبارک را که به تازگی از قلم سحرانگیز ایشان روی صفحه آمده بود، برای ما می‌خواندند، بهتر است بگویم شهد ذوق و تفکر خویشتن را چون مائده‌ای آسمانی در سفرهٔ اهل نظر می‌گذاشتند. ما احساس می‌کردیم که به فضل خدای مهربان در آینده‌ای نزدیک عاشقان قرآن کریم ترجمهٔ جالبی از این کتاب آسمانی در دسترس خواهند داشت.

در شهر دوشنبه نیز هر بار که من به آن شهر سفر می‌کردم و موقعیت‌های درخشان او را در کار و تلاش با ثمری که در رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران داشتند، می‌دیدم و نیز در تدریس در دانشگاه‌ها و سخنرانی در نهادهای فرهنگی و علمی و جلسه‌های ادبی که برای شعرا و ادبا می‌گذاشتند و سخنرانی‌هایی که در تلویزیون تاجیکستان می‌کردند؛ و نشر مجلهٔ رودکی، همه و همه را از برکات و فیض انس دائمی او با قرآن می‌دانستم. ایشان در همهٔ کارهای فرهنگی خود بسیار موفق و کامیاب بودند؛ چه در جلسه‌های جالب ادبی و فرهنگی، چه در تدریس در دانشگاه‌های ما و چه در صحبت‌های تلویزیونی و رادیویی تاجیکستان و چه در ادارهٔ جلسات نقد و بررسی شعر شاعران تاجیک؛ باید بگویم به خصوص این جلسات، به نظر من، شعر معاصر تاجیک را به حرکت بیشتر، واداشت.

این جانب از فراوانی تألیفات، سبک نگارش دل‌ویز و پختگی اندیشهٔ دو نفر از قرآن پژوهان معاصر ایران در شگفت هستم.

نخست استاد خرمشاهی و دیگر گرمارودی و مطمئن هستم که این همه از دولت قرآن است که در وجود آن دو تابندگی و نیرو دارد.

آنهايي که نثر دل‌ویز استاد گرمارودی را می‌شناسند و کتاب «داستان پیامبران» او را خوانده‌اند، و یا نثر شیوا و علمی این مؤلف فرزانه را در کتاب ارزشمند «قلم انداز» مطالعه کرده‌اند، که مجموعهٔ مقالات علمی و ادبی اوست و یا در کتاب «دگرخند» او که کتابی روشمند در بررسی طنز در ادبیات فارسی است، و یا سبک متین و دلچسب او را در کتاب ارزشمند «شعر و زندگی ادیب الممالک» که بی‌گمان بهترین و محققانه‌ترین و مفصل‌ترین اثری است که تاکنون دربارهٔ این شاعر ایرانی دورهٔ مشروطیت تألیف شده است و یا در کتاب مفصل «از ساقه تا صدر» او که تذکرهٔ حدود هفتصد تن از شاعران قرن بیستم تاجیکستان است؛ با من هم صدا خواهند شد که استاد گرمارودی بحمد الله موفق بوده‌اند. اما در این میانه ترجمهٔ شیوای او از قرآن، موفق‌ترین است.

ترجمهٔ استاد گرمارودی نمونهٔ برتر نثر ترجمهٔ قرآن در زمان ما می‌باشد. ایشان همهٔ امکان و ابزار زبان فارسی را به کار گرفته‌اند تا این ترجمه، صحیح و دلپذیر از آب در آید. در ترجمهٔ لغات شیوا و فاخر و استوار، هم از زبان کلاسیک و هم معاصر به صورتی آمیخته استفاده شده است؛ به گونه‌ای که نثر ترجمهٔ ایشان، نه نثری قدیمی است و نه به زبان محاوره. از اشارات توضیحی و پی‌نوشت‌های مؤلف پدیدار است که از گنجینهٔ فارسی فرارودی که امروز زبان تاجیکی می‌نامند و نیز از واژه‌های شاهنامه، مثنوی، تاریخ بیهقی هر یک که در زبان امروز ما زنده است، استفاده کرده‌اند.

استاد خرمشاهی شیوایی و امانت و زیبایی زبان این ترجمه را «سه اصل طلایی» عنوان کرده

و چنین نتیجه گرفته‌اند:

فراموش نکنم این نکته مهم را که استاد گرمارودی در این ترجمه از نظر معیار و متعارف امروز بهره برده‌اند، با اندک بهره‌ای بیشتر از چاشنی کهن‌گرایی که نثر ترجمه را خواندنی و ماندنی و فخیم و فاخرتر ساخته است.

من می‌خواهم بر این گفته‌ی استاد خرمشاهی این مطلب را بیفزایم که ترجمه‌ی استاد گرمارودی همه‌ی کامیابی‌ها و دست‌آوردهای بسیاری از ترجمه‌های دیگر قرآن به زبان فارسی را در خود جمع آورده است.

مترجم با مقصد دست یافتن به دقت و صحت هر چه بیشتر، تفاسیر قرآنی و ترجمه‌ها و کتب و رسائل قرآنی را که تعداد آنها از شصت منبع بیشتر است مورد تحقیق و بررسی و استفاده قرار داده است. نیز نقد و نظر همه‌ی دانشمندانی را که در مدت سی سال یا بیشتر، پیرامون ترجمه‌های فارسی قرآنی نوشته‌اند و ایرادهایی که بر آن ترجمه‌ها وارد کرده‌اند، استاد گرمارودی با دقت و صبر و شکیبایی همه را دیده و در ترجمه‌ی خود از آنها احتراز کرده‌اند.

همگون ساختن ترجمه‌ی لغات و ترکیبات قرآنی و آیاتی که شبیه یکدیگرند، از ویژگی‌های دیگر ترجمه‌ی او می‌باشد. در پی نوشت سودمند این ترجمه که بهترین نمایانگر سبک متین نثر استاد گرمارودی و بسیار خواندنی است، این مطلب چنین توضیح یافته است:

با استفاده از معجم فهرس آیات، ترجمه‌ی اکثر لغات و ترکیبات و تعبیرات همگون قرآن را در سراسر این کتاب در حدی که مقدور بود، یکدست کردم. مثلاً در ترجمه‌ی من در سراسر قرآن به جای کلمه «عظیم» «سترگ» آمده است و به جای کلمه «کبیر» «بزرگ»، کلمه «مبارک» «اللّه» در همه جا «خداوند» و کلمه «اله» همه جا «خدا» و در برابر کلمه «هدی» همه جا «رهنمود»؛ مگر در مورد کلماتی که در متن مقدس قرآن نیز چند گونه به کار رفته‌اند مثلاً کلمه «فتح» که در خود قرآن گاهی به معنی «پروزی» به کار رفته است و گاهی به معنی «داوری» یا نظیر فعل «حق» که بسته به مورد گاهی «سزاوار شده است» و گاهی «درست آمد»، گاهی «تحقق یافته است»، گاهی «به تحقیق پیوسته است» ترجمه کردم...

این شیوه‌ی کار استاد گرمارودی مقبول و پسندیده است زیرا معنی تعدادی از لغات و ترکیبات تنها در داخل متن مقدس قرآن مشخص می‌شود. در مورد انتخاب معادل برای برخی واژه‌ها مترجم فاضل؛ آن چه بیشتر و بهتر در خور متن قرآن کریم است در متن ترجمه آورده‌اند و معادل‌های دیگر و اشارات توضیحی را در پاورقی نشان داده‌اند. خاصه برای پژوهشگران «زیر نوشته‌های» این ترجمه سود فراوان دارد.

استاد گرمارودی موفق شده‌اند که ترجمه‌ای با حفظ امانت و زیبایی به وجود آوردند. برتری اصلی هر ترجمه قرآنی وابسته به همین امر است. اما برای شناختن این اصل بهتر است از شیوه تطبیقی استفاده کنیم. ما این جا فقط ترجمه یک آیه (۳۵) از سوره مبارکه نور را در نظر می‌گیریم که استاد گرمارودی چنین به قلم آورده‌اند:

... خداوند نور آسمان‌ها و زمین است؛ مثل نور او چون چراغدانی است در آن چراغی؛ آن چراغ در شیشه‌ای، آن شیشه گویی ستاره‌ای درخشان است کز درخت خجسته زیتونی می‌فرورد که نه خاوری است و نه باختری، نزدیک است روغن آن هر چند آتشی بدان نرسیده برفروزد؛ نوری است فرا نوری، خداوند هر کرا بخواهد به نور خویش رهنمون می‌گردد و خداوند این مثل‌ها را برای مردم میزند و خداوند بر هر چیزی داناست. (ص ۳۵۴)

عین همین آیه در ترجمه‌ای دیگر (گر چه به جای خود امین و زیبا) چنین آمده است:

خدا روشنی (بخش) آسمان‌ها و زمین است؛ مثل نورش چون چراغدانی است حاوی چراغ، در حبای بلورین همچون ستاره‌ای درخشان که از (عصاره) درخت مبارک زیتونی فروغ می‌گیرد که نه شرقی است نه غربی و عصاره‌اش (از شدت صفا) نزدیک است روشنی دهد، گر چه آتشی بر آن نرسیده باشد؛ نوری است افزون بر نور؛ خدا هر که را خواهد به نور خود هدایت خواهد کرد؛ و برای مردم مثل‌ها می‌زند؛ و خدا بر هر چیزی داناست. ۱

انصاف این است که ترجمه استاد گرمارودی هم زیباتر و هم امین‌تر است. اگر کار انجام داده استاد گرمارودی با ترجمه‌های دیگر، چه از قدیم چه از جدید تطبیق گردد، بسی نکته‌های دیگر در آن به چشم خواهد رسید که در ترجمه‌های دیگر نیست.

ترجمه ارزشمند استاد گرمارودی ظرفیت آن را دارد که در همه کشورهای فارسی زبان به عنوان ترجمه‌ای معتمد و شیوا مورد استفاده و ارجح‌گذاری قرار گیرد و قرن‌ها، نام نامی این عاشق قرآن و این فرزانه دوران را زنده و جاویدان گرداند.

۱. قرآن مبین، ترجمه علی اکبر طاهری قزوینی/۳۵۴، انتشارات قلم تهران، ۱۳۸۰.